

فصلنامه علمی- تخصصی معارف علوم اسلامی و علوم انسانی

سال ۴ - تابستان ۱۴۰۳ - شماره هفدهم-ص ۴۰-۵۹

وظایف و اختیارات ضابطین ویژه اطفال و نوجوانان

امیر آقامحمدی قندیلو^۱ عرفان معصومی^۲ فرحان پاشائی پایدار^۳

چکیده:

پلیس ویژه در لایحه رسیدگی به جرائم اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۸۳ پیش بینی شد اما تصویب نگردید. ماده ۳۱ قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ نیروی انتظامی را به ایجاد پلیس مخصوص اطفال و نوجوانان مکلف گردانید که تا به امروز این امر تحقق نیافته و تفکیکی در مقابله و برخورد پلیس با متهمان بزرگسال و کودک ایجاد نشده است. ضابطان ویژه علاوه بر دارا بودن تمامی وظایف مشترک با سایر ضابطین، وظیفه دارند در برخورد با اطفال بزهکار عطفوت خاصی به خرج دهند تا کودک بزهکار در کنار اقدامات اصلاحی و تربیتی، ضمن اعتماد به پلیس و با امنیت خاطر همکاری های موثری با پلیس داشته باشد. این پژوهش به روش کتابخانه ای، بصورت تحلیلی بر آن است با بررسی وظایف و اختیارات پلیس ویژه، تاثیر تشکیل این قوا در کاهش میزان بزهکاری کودکان رامورد نقد و بررسی قرار دهد. اینکه رفتار پلیس در برخورد با متهمین خرد سال تا چه اندازه می تواند نقش بازدارندگی و بازپروری داشته باشد؟ آنچه مشخص است در حال حاضر رفتار پلیس با افراد بزهکار زیر ۱۸ سال، تفاوت چندانی با بزهکاران بزرگسال ندارد. از آنجایی که کودکان هرکشوری، جزو نیروی انسانی و منصب داران آینده هستند، ضروری است با تکیه بر قوانین بین المللی و طرح سیاست جنایی افتراقی تلاش شود عملکرد پلیس ویژه اطفال و نوجوانان برابر با استانداردهای بین المللی باشد.

کلید واژگان: ضابط قضائی، اطفال و نوجوانان، مسئولیت کیفری، اصلاح و تربیت، وظایف پلیس ویژه

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق کیفری و جرم شناسی، گروه حقوق، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی (نویسنده مسئول) amiraghamohammadi1991@gmail.com

۲- دانشجوی کارشناسی حقوق، گروه حقوق، موسسه آموزش عالی چرخ نیلوفری آذربایجان، تبریز، ایران masumierfan1@gmail.com

۳- دانشجوی کارشناسی حقوق، گروه حقوق، موسسه آموزش عالی چرخ نیلوفری آذربایجان، تبریز، ایران fp8682505@gmail.com

۱- مقدمه

افزایش میزان بزهکاری کودکان با توجه به انواع و اقسام آن، مسئولین ذی ربط را به اتخاذ راهکارهایی جهت مقابله با بزهکاری این گروه وادار می سازد، همچنین دولت ها نیز به مطالعه اسباب بزهکاری کودکان و نوجوانان و کنترل بزهکاری آنان ترغیب می شوند. مسئولیت کیفری و چگونگی دادرسی اطفال و نوجوانان از مباحث کیفری تمام ممالک بشمار می آید. از این رو برخی از قوانین کیفری در کشورهای مختلف به این امر اختصاص یافته شده است، قوانینی که دربرگیرنده مجازات کودکان و اصلاح آنان می باشند، بنابراین عدم اجرای مقررات و نادیده گرفتن آنان به مراتب عواقبی جبران ناپذیر را برکودک وارد خواهد ساخت، کودک معمولا منعطف است و آسان تر از فرد بزرگسال می تواند مورد بازپروری قرار گیرد، فلذا می طلبد که نظام کیفری متفاوتی از آنچه در مورد بزرگسالان اجرا می شود، تعیین گردد. در نظام دادرسی مجرمین اغلب پیش از هر مرجعی با پلیس مواجه می شوند و همه ی مرتکبین به لحاظ سنی در یک دسته بندی قرار ندارند. علی ایحال قبل از تفهیم اتهام توسط مقام قضائی، برخورد پلیس ویژه با مجرمین کودک و نوجوان از حیث اینکه اولین برخورد قانونی با مجرم بوده بسیارحائز اهمیت است و همواره مورد بحث و توجه حقوق دانان و مقامات قضائی بوده است. بطور کلی در نهادی که در آن پلیس، قاضی و کلیه اشخاص و مقامات دخیل در دادرسی بر پایه ی اصول اساسی حقوق کودک انجام وظیفه نمایند، قطعاً عدالت در دادرسی تا حد زیادی عملی خواهد شد. پیشرفت هر جامعه ای منوط به تربیت و پرورش صحیح کودکان و نوجوانان است، ایجاد معیشتی مرفح و تامین نیازهای عاطفی می تواند از موانع انحراف و کجروی در کودکان باشد.

۱-۱- تعاریف و مفاهیم

۱-۱-۱- ضابطین ویژه اطفال و نوجوانان

ضابط در لغت به معنی بایگان، پاسبان، پلیس و نگهدارنده می باشد، منظور از ضابطین ویژه اطفال و نوجوانان، همان پلیس ویژه اطفال و نوجوانان است. پلیس نیز به معنی شهربانی، نظم و انتظام می باشد (حق شناس، ۲۶۷: ۱۳۸۵) پلیس مجموعه قواعد و مقرراتی است که به منظور ایجاد نظم و امنیت در جامعه برقرار می شود (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۵: ۱۲۸) ماده ۳۱ قانون آئین دادرسی کیفری در خصوص ضرورت تشکیل پلیس ویژه بیان می دارد: به منظور حسن اجرای وظایف ضابطان درمورد اطفال و نوجوانان پلیس ویژه اطفال و نوجوانان در نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران تشکیل می شود و وظایف و حدود اختیارات آن به موجب لایحه ای است که توسط رئیس قوه قضائیه تهیه می شود، پلیس ویژه اطفال و نوجوانان در لایحه رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان در سال ۱۳۸۳ برای اولین بار پیش بینی و اشاره ای شد که تصویب نگردید و همینطور قانون برنامه پنجم توسعه که به موضوع پلیس ویژه اطفال و نوجوانان بطور تلویحی پرداخته بوده نیز اجرایی نشد. در ماده ۳ پیش نویس لایحه ی پلیس ویژه اطفال و نوجوانان، پلیس ویژه به آن

دسته از کارکنان ناجا گفته می شود که حسب شرایط این قانون و گذراندن آموزش های مربوط با مشارکت های جامعه و سازمان های دولتی ایفای وظیفه نمایند که در ماده ۴ این لایحه علاوه بر شرایط عمومی استخدام در ناجا شرایطی نظیر:

۱- تاهل و فرزند داشتن ۲- داشتن مدرک تحصیلی کاردانی یا بالاتر در رشته های علوم انتظامی ، علوم تربیتی ، علوم اجتماعی ، حقوق ، روانشناسی و مددکاری اجتماعی ۳- گذراندن آموزش های تخصصی اضافه می شود ، همچنین در تبصره های ماده فوق به حضور زنان در گروه های ویژه اطفال و استفاده و بکارگیری کارکنان دیپلم در مواقع عدم حضور مافوق اشاره هایی شده است. اهمیت وجود مامورین تخصصی از نظر ماده ۵ به قدری بیشتر است که کارکنان وظیفه باهرمدرک تحصیلی حق ندارند در جایگاه پلیس ویژه انجام وظیفه نمایند ، وظیفه ای که حتی پاپور دیپلم از انجام آن برکنار نیست. مطلب فوق حاکی از آن است که اگرچه سربازوظیفه ای دارای مقاطع ومدارک تحصیلی کارشناسی ارشد یا بالاتر باشد ، چون از نیروهای ویژه تلقی نمی شود ، نمی تواند وظایف پلیس ویژه را عهده دار باشد همانگونه که از خدمات نهادهای غیر دولتی ، سازمان های مردم نهاد ، جرم شناسان ، مشاوران حقوقی ، مددکاران اجتماعی ، روانشناسان و وکلای دادگستری بهره مند می گردند ولی واگذاری وظایف پلیس ویژه به این اشخاص ممنوع است.

۱-۱-۲- اطفال و نوجوانان

طفل در لغت یعنی خردسال ، نوزاد ، و نوجوان نیز به معنی نو بالغ و نورسته می باشد. به لسان حقوقی در ماده ۱ کنوانسیون بین المللی حقوق کودک ، تمام افراد زیر ۱۸ سال کودک تلقی شده اند مگر اینکه به موجب قوانین داخلی هر کشوری ، سن پائین تری را در نظر بگیرند. این کنوانسیون در ۲۰ نوامبر ۱۹۸۹ میلادی مورد پذیرش مجمع عمومی سازمان ملل متحد قرارگرفت و از ۲ سپتامبر ۱۹۹۰ میلادی پس از سپری شدن ۳۰ روز لازم الاجرا شده است ، ایالات متحده آمریکا تنهاترین عضو سازمان ملل متحد است که این پیمان نامه را تصویب نکرده است ، بنابراین به صراحت می توان گفت که مقبول ترین عهد نامه ی حقوق بشر در تاریخ است. دولت جمهوری اسلامی ایران نیز در اسفند ۱۳۷۲ با قانون اجازه الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون حقوق کودک با تصویب مجلس شورای اسلامی و تأیید شورای نگهبان مشروط بر اینکه در تعارض با موازین اسلامی نباشد ، بطور رسمی این کنوانسیون را پذیرفت.

ماده ۱۲۱۰ قانون مدنی ایران ، پایان دوره ی کودکی را ۹ سال تمام قمری در دختران و ۱۵ سال تمام قمری در پسران قلمداد کرده است. کودک به شخصی گفته می شود که آمادگی جسمانی و روانی لازم برای ادامه زندگی مستقل نداشته باشد. نظر اکثر حقوق دانان نیز بر همین است که صغیر کسی است که از لحاظ سنی به نمو روحی و جسمی لازم نرسیده باشد (امامی ، ۱۳۷۳:۲۴۳) سن کودکی و تقسیم بندی آن به دوره های مختلف از مباحث اختلافی هر حقوق دان ، هر روانشناس ، هر جامعه شناس و هر نویسنده ای است ، بطوری که برخی از آنان دوران کودکی را تنها به دو دسته کودکی اول و کودکی میانی (نجفی ، ۱۳۸۲:۳۶) و برخی نیز همانند پاپالیا نویسنده کتاب تحول انسان ، دوره ی کودکی را به شش

دسته تقسیم بندی کرده اند، در بسیاری از منابع تا ۳ سالگی را طفولیت ، ۳ تا ۵ سالگی را بدو کودکی ، ۶ تا ۸ سالگی را اواسط کودکی ، ۹ تا ۱۱ سالگی را اواخر کودکی و ۱۲ تا ۱۸ سالگی را نوجوان می دانند ، قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹/۰۲/۲۳ در مواد ۱ و ۲ افراد زیر سن بلوغ شرعی را طفل و از سن بلوغ تا زیر ۱۸ سالگی کامل شمسی را نوجوان تلقی نموده است. بلوغ یعنی رسیدن طفل به احتلام در مردان و حیض یا حمل در دختران که تا این مرحله طفل نامیده می شوند.

ماده ۷۹ قانون کار ، سن کار را ۱۵ سال معرفی کرده و نیز کارگر نوجوان را ۱۵ تا ۱۸ ساله معرفی کرده است.

۱-۱-۳- بزهکاری کودکان

بزه در اصطلاح به معانی خطا ، تقصیر ، جرم و گناه و از این رو بزهکار نیز به معنای خطاکار ، مقصر ، مجرم و گناهکار می دباشد. در سال ۱۳۵۸ دکتر محمد صالح ولیدی طی تحقیقی تحت عنوان تحلیل شرایط طبیعی و اجتماعی موردی استان کردستان در ارتباط با بزهکاری عدم توجه به عوامل محیطی و جغرافیایی را موثر در تحقیقی ناقص می داند. در سال ۱۳۶۱ قانون اصلاح و تربیت سازمان زندان مشهد ، بر اساس گزارشی حدود ۶۵ درصد از افراد کانون را دارای والدینی ناسازگار می خواند که بیان گر ارتباط نادرست خانوادگی می باشد. در سال ۱۳۶۹ اداره کل امر به معروف و نهی از منکر کمیته انقلاب اسلامی ، طی تحقیقی با عنوان بررسی علل بزهکاری نوجوانان در شهر تهران ، عواملی همچون سطح تحصیلات ، خانواده ، محل سکونت ، اقتصاد و مهاجرت را در گرایش به بزهکاری موثر دانسته است و در سال ۱۳۷۶ برابر با آمار نتایج حاصله از این تحقیق ها مشخص می شود ۴۵ درصد بزهکاران از خانواده هایی لابلالی وارد جامعه می شوند. در جامعه ما نیز مانند سایر جوامع در توسعه با پیشرفت صنعت و هجوم فرهنگ غرب ، شاهد ازدیاد کمی و کیفی پدیده بزهکاری نوجوانان هستیم.

۱-۱-۴- مسئولیت مدنی کودکان

واژه مسئولیت در لسان حقوقی به معنای مواخذه و مورد بازخواست قرار گرفتن است ، مسئولیت در فقه و قانون مدنی به عنوان ضمان بکار رفته است به عبارتی: تعهد قانونی مشخص بر رفع ضرری که بر دیگری وارد کرده است (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۰: ۶۴۲)

۱-۱-۵ - مسئولیت کیفری کودکان

به طور کلی مسئولیت کیفری عبارت است از قابلیت توجه اتهام و تحمیل کیفر به شخصی که با وصف عقل ، بلوغ ، اختیار و قصد مرتکب جرم باشد. فقهای امامیه به دلیل فقدان قوه ادراک کودک را فاقد مسئولیت کیفری می دانند.

۱-۲ - سن مسئولیت کیفری اطفال و نوجوانان

براساس نظر مشهور فقها، انسان به محض بلوغ عهده دار تکلیف گشته و مسئولیت جرائمی را که مرتکب می شود بر دوش خواهد کشید. تمامی فقهای امامیه علاوه بر بلوغ ، کمال عقل و رشادت را لازمه ی تعیین کیفربرکودک می دانند. قانون مجازات عمومی مصوب دی ماه ۱۳۰۴ تحت تاثیر قانون جزای عمومی فرانسه ، اطفال را به سه دسته ی: ۱- اطفال کمتر از ۱۲ سال ۲- اطفال بین ۱۲ تا ۱۵ سال ۳- اطفال بین ۱۵ تا ۱۸ ساله تقسیم نموده بود. سپس در سال ۱۳۵۲ اصلاحاتی داشت که همچنان نواقص و ایراداتی نمایان بود. یکبار دیگر قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۶ در ماده ۴۹ طفل را در صورت ارتکاب جرم مبری از مسئولیت کیفری دانست و تربیت آن را وفق نظر دادگاه به عهده ی سرپرست طفل و در صورت لزوم قانون اصلاح و تربیت گذاشت ، منظور از طفل در این ماده اشخاصی است که به سن ۱۸ سالگی تمام شمسی نرسیده باشند. فلذا اطفال را در سه دسته بندی معرفی نمود: ۱- طفل نابالغ غیر ممیز (کسی که دارای قوه درک نیست و توان تشخیص سود را از زیان و بطور کلی خوب را از بد ندارد ، معمولاً افرادی هستند که به سن ۷ سال تمام نرسیده باشند) ۲- طفل نابالغ ممیز (کسی که هرچند قوه درک او به حد کمال نرسیده اما می تواند سود را از زیان، زیبا را از زشت و بطور کلی خوب را از بد تشخیص دهد ، معمولاً افرادی هستند از سن ۷ سالگی تا سن بلوغ) ۳- طفل بالغ (افرادی که به سن بلوغ رسیده و کمتر از ۱۸ سال تمام شمسی باشند) امام خمینی (ره) در تحریرالوسیله بیان داشته اند: صغیر کسی است که به حد بلوغ شرعی نرسیده باشد. سن بلوغ پسر ۱۵ سال تمام قمری و دختر ۹ سال تمام قمری است. در نهایت قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ دو تغییر قابل توجهی را رقم زد ، نخست اینکه دو نظام متفاوتی بر مجازات تعزیری و سایر مجازات ها در نظر گرفته شد و دوم آنکه در حوزه ی جرائم تعزیری بر اساس نوع جرم ارتكابی و گروه سنی مرتکبین ، واکنش های متفاوتی تعیین گردید.

۱-۲-۱ - در جرائم تعزیری

اطفال مرتکب جرم تا ۹ سالگی فاقد مسئولیت هستند (زراعت، ۱۳۹۲:۵۲۷) حتی اقدامات اصلاحی و تربیتی بر آنان پیش بینی نشده است ، از سن ۹ تا ۱۲ سالگی مجازاتی که در بندهای (الف) تا (پ) ماده ۸۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ تعیین گردیده اجرا می شود ، در گروه سنی ۱۲ تا ۱۵ سال قانون گذار سخت گیری بیشتری نشان داده و علاوه بر موارد اصلاحی و تربیتی ، برخی تدابیر تادیبی و تنبیهی نیز در نظر گرفته است که تبصره ۱ ماده ۸۸ همین قانون ،

مجازات این دسته از مجرمین کودک را به نگهداری در کانون اصلاح و تربیت از سه ماه تا یک سال بیان نموده است. در خصوص مجازات گروه سنی ۱۵ تا ۱۸ ساله نیز ماده ۸۹ حاکم است و بیان گر آن است که مجرمین این رده سنی، بنا بر جرم ارتكابی به یکی از مجازات های مندرج در این ماده محکوم می شوند که شدیدترین آن نگهداری پنج ساله در کانون اصلاح و تربیت است.

۱-۲-۲- در جرائم حدی و قصاص

علی رغم اینکه نظر مشهور فقهای امامیه بر آن است که فرد بالغی در صورت ارتكاب جرم ، همانند بزرگسالان مجازات شود اما قانون گذار با تکیه بر الزامات بین المللی حقوق کودک در صدد آن است حداقل امکان مرتکبین جرائم حدی و قصاص را از اجرای حد و قصاص فراری داده و مشمول بندهای (الف) تا (ث) ماده ۸۸ قانون اخیر گرداند ، فلذا کودکی که به سن ۹ سالگی نرسیده باشد در صورت ارتكاب جرم تعزیری ابدًا مورد بازخواست دستگاه کیفری قرار نمی گیرد. اما چنانچه همین کودک مرتکب جرم حدی باشد موارد (الف) تا (پ) ماده ۸۸ قابل اعمال خواهد بود.

۱-۳- لایحه پلیس ویژه اطفال و نوجوانان

لایحه تشکیل پلیس ویژه در مورخه ۲۶ اردیبهشت ۱۴۰۰ جهت اعمال تشریفات قانونی به مجلس شورای اسلامی ارسال گردید. این لایحه مشتمل بر ۶ فصل و در ۴۹ ماده نگارش گردیده و مقصود قانون گذار از آن با توجه به ویژگی انعطافی روحی و جسمی کودک و نوجوان و ضرورت تفکیک پلیس ویژه اطفال از بزرگسالان با بهره گیری از روش های غیر قضایی در جهت پیشگیری از تکرار بزه دیدگی و بزهکاری اقدامی موثر انجام داده و حدود اختیارات و صلاحیت پلیس ویژه اطفال و نوجوانان را معین سازد. البته بیش از ده ها مورد از سوی اداره کل تدوین قوانین و همینطور اداره کل اسناد و تنقیح قوانین ایراداتی بر این لایحه وارد است که روند تصویب و اجرایی شدن آن را بطور جدی با تاخیر مواجه می سازد که هم اکنون به بیان ایرادات خواهیم پرداخت.

۱-۴- ایرادات وارده بر لایحه پلیس ویژه از منظر اداره کل تدوین قوانین

در خصوص لایحه فوق چندین ایراد از حیث آئین نگارش قوانین و ویرایش ادبی به ترتیب ذیل مطرح است:

۱- با عنایت به سیاست های تنقیحی مجلس شورای اسلامی مقرر در قانون تدوین و تنقیح قوانین و مقررات کشور مصوب ۱۳۸۹/۰۳/۲۵ مبنی بر جلوگیری از تورم قوانین و با توجه به اینکه لایحه حاضر در اجرای ماده ۳۱ قانون آئین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ تهیه گردیده و دارای ارتباط موضوعی با آن است لذا لایحه باید در قالب الحاق موادی به قانون آئین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ تنظیم شود.

۲- ترتیب مطالب لایحه از تناسب یکنواختی برخوردار نیست ، بنابراین لازم است فصلی با عنوان (وظایف و حدود اختیارات) به لایحه اضافه شود.

۳- درج عبارت (از تاریخ لازم الاجرا شدن این قانون) در مواد ۳ - ۴۶ و ۴۷ لایحه زائد است و باید حذف شود. وفق قاعده عمومی مندرج در ماده ۲ قانون مدنی، زمان آغاز آثار قانون، تاریخ لازم الاجرا شدن آن است نه تصویب و نیازی به تصریح نیست.

۴- مطابق اصول نگارش متون قانونی ، فلسفه ، ضرورت و هدف از تقدیم لایحه باید در مقدمه بیان شود و درج آن در متن مناسب نیست، بنابراین عبارت توضیحی(به منظور حسن انجام وظایف ضابطان در مورد اطفال و نوجوانان مشمول این قانون، حمایت از آنان و همچنین پیشگیری از بزه دیدگی یا نقض قوانین جزایی از سوی آنان) ، (به منظور پیشگیری از بزه دیدگی اطفال و نوجوانان یا نقض قوانین جزایی از سوی آنان ، ضمن برنامه ریزی برای تحقق اهداف این قانون و قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹ و اجرای تکالیف مقرر در آنها) ، (در راستای رسالت خود مبنی بر اطلاع رسانی در مورد حقوق اطفال و نوجوانان و به منظور بالا بردن سطح اطلاعات عموم مردم در این زمینه) ، (با هدف اطلاع رسانی و فرهنگ سازی عمومی در زمینه حقوق اطفال و نوجوانان به ویژه وظایف و اختیارات پلیس ویژه) ، (به منظور درج اظهارات ، نظرات ، دغدغه ها ، نگرانی ها ، نیازها و اطلاعات طفل یا نوجوان مشمول این قانون) ، (به منظور کاهش حضور فیزیکی طفل یا نوجوان مشمول این قانون در مراجع انتظامی و قضائی و جلوگیری از ورود آسیب به وی) ، (به منظور مشارکت بزه دیده ، طفل یا نوجوان متهم به نقض قوانین جزائی ، خانواده های آنان و دیگر اشخاص موثر در تدوین برنامه ای مناسب برای طرفین و جبران خسارت ناشی از جرم در جرائم موجب قصاص، دیه و تعزیر در هر مرحله از تحقیقات مقدماتی یا دادرسی) مندرج در مواد ۲ - ۶ - ۹ - ۱۰ - ۱۶ - ۳۲ زائد است و باید حذف شود.

۵- ادبیات تقنینی لایحه فاقد اتقان و تنجیز است و از این جهت مغایر بند ۹ سیاست های کلی نظام قانون گذاری مبنی بر رعایت اصول قانون نویسی است. لازم است متن به طور صریح و در مقام انشاء تنظیم شود، بنابراین پیشنهاد می شود عبارت پایانی تبصره ۲ ماده ۶ لایحه بدین شرح اصلاح شود (به تصویب هیئت وزیران می رسد)

۶- عبارت (حقوق مقرر در قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ با اصلاحات بعدی آن) ، (دیگر قوانین و مقررات مندرج در ماده ۱۱ لایحه همچنین عبارت (آئین نامه ی اجرایی مربوط) مندرج در تبصره ماده ۳۸ مغایر با سیاست های تنقیحی مجلس شورای اسلامی است و در صورت تصویب موجب ابهام می شود ، مواد یا احکام و قوانین مد نظر باید بطور دقیق احصاء و ذکر شوند و نباید آنها را بطور کلی به قوانین ارجاع داد.

۷- تعریف اصطلاح (نقض قوانین جزائی) در بند ۵ ماده ۱ ابهام دارد و با توجه به تعدد استعمال این واژه در مواد لایحه لازم است تعریف دقیق و جامعی ارائه شود.

۸- حکم به تنظیم آئین نامه اجرایی در تبصره ۲ ماده ۶ و تبصره ماده ۴۵ بدون مهلت زمانی پیش بینی شده است و این امر ، اجرای قانون را به وضعیت مبهم قرار می دهد. همچنین لازم است عبارت (و هیئت وزیران) پس از رئیس قوه قضائیه در تبصره اخیرالذکر اضافه شود.

۹- بیشتر احکام لایحه از قبیل مواد ۴ - ۲۳ - ۲۴ - ۳۱ - ۳۵ - ۳۶ دارای شائبه آئین نامه ای است و بهتر است تصویب آن در قالب آئین نامه اجرائی انجام شود.

۱۰- با توجه به عدم استفاده از اصطلاح (جرائم تروریستی) در سوابق تقنینی و به منظور رفع هر گونه ابهام لازم است اصطلاح مزبور در مواد ابتدائی لایحه تعریف شود یا حداقل به قوانین مربوط ارجاع یا اشاره شود.

۵-۱- ایرادات وارده بر لایحه پلیس ویژه از منظر اداره کل اسناد و تنقیح قوانین

موارد مطروحه از سوی اداره کل اسناد و تنقیح قوانین در رابطه با لایحه پلیس ویژه اطفال و نوجوانان به شرح ذیل مرقوم است:

۱- با توجه به اینکه در سایر قوانین از جمله قانون مجازات اسلامی و یا قانون حمایت از اطفال و نوجوانان از عبارت (والدین ، اولیای قانونی و سرپرستان) استفاده شده است به جهت شمول بیشتر و تسری به وصی در بند ۴ ماده ۱ لایحه وصی منصوب از طرف و یا جد پدری نیز پیش بینی شود.

۲- با توجه به اینکه مصادیق جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی به موجب کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی مشخص شده اند و در سایر قوانین از جمله قانون آئین دادرسی کیفری نیز از جرائم علیه امنیت نام برده شده پیشنهاد می شود جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی جایگزین (جرائم تروریستی) مندرج در ماده ۱۷ و تبصره ۴ ماده ۲۵ لایحه شود.

۳- با توجه به شمول لایحه به کلیه افراد زیر ۱۸ سال تمام شمسی پیشنهاد می شود در بند ۳ ماده ۲۲ لایحه استفاده از پلیس زن برای تحت نظر قرار دادن دختران و اطفال زیر ۱۸ سال جایگزین زیر ۱۲ سال شود.

۴- در ماده ۲۷ لایحه پیشنهاد می شود استفاده از لباس غیر نظامی جنبه ی الزامی پیدا کند.

۵- با توجه به اینکه به موجب مواد ۱۵۲ و ۱۵۶ قانون مجازات اسلامی یکی از شرایط توجیه پذیر بودن اقدام در برابر خطر ، فعلیت آن است ، پیشنهاد می شود در ماده ۲۸ لایحه نیز خطر شدید فعلی جایگزین شود.

۶- حکم ماده ۱۲ لایحه در خصوص آگاه کردن ولی طفل از خدمات حمایتی سازمان های مردم نهاد به موجب تبصره ۲ ماده ۶۶ قانون آئین دادرسی کیفری پیش بینی شده است ، ضمن اینکه سازمان دولتی به منظور حمایت از اطفال و نوجوانان پیش بینی نشده است.

۷- ماده ۳۰ لایحه در خصوص امکان رسیدگی غیر قضائی به تبیین مواردی پرداخته که مرجع قضائی بررسی و تهیه گزارش در خصوص آن را به پلیس ویژه یا مددکار اجتماعی رجاع می دهد در حالیکه بند ۵ این ماده به صورت کلی بیان داشته (بررسی دیگر موارد) که این عبارت دارای ابهام است.

۸- ماده ۳۸ لایحه ارجاع به میانجیگری را به تمامی جرائم ارتكابی توسط اطفال و نوجوانان تسری داده و از این جهت حکم ماده ۸۲ قانون آئین دادرسی کیفری که ارجاع به میانجیگری را محدود به جرائم تعزیری درجه ۶ تا ۸ نموده در این خصوص تخصیص می زند.

۹- در صدر ماده ۴۹ عبارت (از تاریخ لازم الاجرا شدن این قانون) اضافه شود.

۶-۱ - وظایف و اختیارات ضابطین ویژه اطفال و نوجوانان مندرج در لایحه پلیس ویژه

در ماده ۲۸ قانون آئین دادرسی کیفری ، ضابطان دادگستری مامورانی شناخته شده اند که تحت نظر دادستان در کشف جرم ، حفظ آثار و علائم و جمع آوری ادله وقوع جرم ، یافتن و جلوگیری از فرار و مخفی شدن متهم ، تحقیقات مقدماتی ، ابلاغ اوراق و اجرای تصمیمات قضائی انجام وظیفه می نمایند. کشف بزه بر عهده ی پلیس است باید بلافاصله پس از اطلاع از وقوع جرم نسبت به دستگیری عوامل آن یا حداقل نسبت به حفظ آثار وعلائم جرم اقداماتی انجام داده ومقامات را مطلع سازد ، ضرورت تشکیل پلیس ویژه در قوانین جدید ، وظایفی متفاوت از سایر ضابطین پیش بینی نموده است. اولین وظیفه ی این دسته از پلیس در ماده ۶ لایحه به منظور پیشگیری از بزه دیدگی اطفال و نوجوانان ، ایجاد نظام جامع اطلاعات مربوط به اطفال نوجوانان با همکاری دستگاه های مربوط ، تشکیل کارگروه های مشترک با دستگاه های اجرایی مرتبط با احکام این قانون به ویژه وزارتخانه آموزش وپرورش ، کشور و تعاون ، کار و رفاه اجتماعی ، سازمان بهزیستی کشور ، بهره گیری از خدمات داوطلبانه نهادهای غیردولتی و اشخاص داوطلب در اجرای برنامه های پیشگیرانه و حمایتی الاخص اشخاص حرفه ای مانند جرم شناسان ، مشاوران حقوقی ، مددکاران اجتماعی ، روانشناسان و وکلا ، مواد ۱۰ - ۱۱ - ۱۲ به تهیه کاربرگ هایی که به منظور درج اظهارات ، دغدغه ها ، نگرانی ها و نیازها الزام و توضیح حقوق مقرر در قانون آئین دادرسی کیفری و وضعیت پرونده به مرتکب و ولی او و همانطور از شمول خدمات حمایتی سازمان های دولتی وغیردولتی مطلع سازد. ماده ۱۶ لایحه جهت ممانعت از حضور فیزیکی کودک در مراجع انتظامی و قضائی و جلوگیری از ورود آسیب به وی ، پلیس ویژه رامکلف می سازد ترتیب سامانه های دورسخنی (ویدئو کنفرانس) را

دهد. ماده ۱۹ عدم دستگیری طفل کمتر از ۹ سال در جرائم مشهود توسط ضابط را مورد حکم قرار داده و تحویل وی بر والدین را خواسته است. ماده ۲۲ نیز عدم تحت نظر داشتن مرتکبین زیر ۱۲ سال توسط ضابط را اذعان می دارد مگر اینکه جرم ارتكابی از بندهای (الف) تا (پ) ماده ۳۰۲ قانون آئین دادرسی کیفری و مرتکب ۱۲ تا ۱۸ ساله باشد. ماده ۲۵ لایحه ، پلیس ویژه را مکلف ساخته تا در صورت دسترسی به مددکار اجتماعی ، زمینه ی حضور وی را فراهم آورده تا در جلسه ی تحقیق ضمن همراهی و ارائه مشاوره به طفل یا نوجوان در تصمیمات اتخاذی ، پیشنهاد و نظرات لازم را ارائه دهد. ماده ۴۴ لایحه ، تمامی افراد دخیل در فرآیند دادرسی که به موجب این قانون وظایفی را عهده دار می باشند مکلف نموده تا مصلحت کودک را در اولویت قرار دهند.

۷-۱- وظایف و اختیارات پلیس ویژه ، مندرج در قانون حمایت از اطفال و نوجوانان

در بند (پ) ماده ۶ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹ نیز سلسله تکالیفی به پلیس ویژه اطفال و نوجوانان ذکر گردیده که به شرح ذیل است:

- ۱- نسبت به شناسایی اطفال و نوجوانان در وضعیت مخاطره آمیز درموارد مراجعه یا معرفی آنان به نیروی انتظامی یا مواجه شدن با آنان در حین اجرای وظیفه و یا شکایت از آنان ، حسب مورد برای معرفی به سازمان بهزیستی کشور با مراجع قضائی و انجام حمایت های مورد نیاز بر اساس این قانون با سایر قوانین مربوط اقدام کند.
- ۲- در ماموریت های مددکاران اجتماعی و انجام وظایف محوله در اجرای این قانون ، حسب تقاضا جهت تامین امنیت آنان و نیز اطفال و نوجوانان موضوع ماموریت اقدام قانونی لازم را به عمل آورد.
- ۳- وضعیت های مخاطره آمیز و جرائم علیه اطفال و نوجوانان بزه دیده را حسب مورد به مراجع ذیصلاح قضائی و سازمان بهزیستی کشور گزارش نماید.

۸-۱- نقش و ضرورت تشکیل پلیس ویژه اطفال و نوجوانان

تشکیل پلیس ویژه اطفال و نوجوانان در ارتكاب اولین جرم کودکان تأثیری ندارد ، بر کودک یا نوجوانی که برای بار اول مرتکب جرمی می شود بر همان جرم ارتكابی از لحاظ پیشگیری هیچ کاری از دست پلیس ویژه ساخته نیست چراکه جرم تحقق یافته و تمام است ، اگرچه ضرورت تشکیل پلیس ویژه در قوانین جدید مشکلات و محدودیت های بسیاری بر نیروی انتظامی به وجود آورده ، فی المثل اینکه در ماده ۴۲ قانون آئین دادرسی کیفری آمده است که بازجویی و تحقیقات از زنان و افراد نابالغ در صورت امکان باید توسط ضابطین آموزش دیده ی زن ، با رعایت موازین شرعی انجام شود. و همینطور در تبصره ماده ۲۲ لایحه ی پلیس ویژه اطفال و نوجوانان ، تحت نظر قرار دادن دختران و اطفال زیر ۱۲ سال را توسط پلیس زن پیش بینی کرده است ، بنابراین ممکن است رعایت مفاد مذکور در لحظه ممکن نبوده

و اقدامات این قوا مورد نقد و بررسی همه جانبه قرار گیرد. اما با این حال پلیس ویژه همچون سایر مراجع دادرسی و رسیدگی از حیث تعدد و تکرار جرائم ارتكابی کودکان، نقش بسزایی در کنترل آنان خواهد داشت، پلیس در نحوه برخورد و رفتار با این دسته از بزهکاران به لحاظ روانشناختی دچار مشکلاتی است که اگر واکنش نامناسبی از خود نشان دهد ممکن است منجر به بزهکاری ثانویه و ... باشد.

حقوق دانان به اتفاق هم نظرشان بر این است که نوجوانان دارای طبعی انعطاف پذیر و قابل اصلاح و تربیت هستند، اما بنظر در مورد اصلاح آنان نمی توان بطور مطلق همه ی آنان را مطیع دانست زیرا در شکل گیری شخصیت کودک و نوجوان عواملی ذاتی همچون: شخصیت خانوادگی والدین، میزان تحصیلات والدین، نحوه ی تربیت فرزند، آداب و رفتار اهل منزل، فرهنگ خانوادگی، نوع گویش و استفاده از کلمات، اعتقاد به لقمه حلال و حرام، اعتقاد به آئین دین داری و از این قبیل مسائل بی تاثیر نبوده و مانع فرمان پذیری آنان می باشند. علی ایحال اینکه کودکی دارای مشکل یا مسائل ذاتی باشد و در راستای تربیت صحیح وی هیچ اقدامی صورت پذیرد، قابل قبول نیست. اما خارج از توان پلیس ویژه است. فی الواقع پلیس نهادی نظارتی و اجرایی است که دارای حدود اختیارات روشنی است و فراتر از آن نمی توان از پلیس انتظار داشت.

۹-۱ - اصلاح و بازپروری کودکان

سیاست بازپروری و تربیت صحیح کودکان و نوجوانان از اقدامات ضروری هر دولتی بحساب می آید، ضمن اینکه بخشی از مدیریت امور زمام داری، توسعه ی منافع ملی و ملیتی و بطور کلی تمامی امور حاکمیتی در آینده توسط همین کودکان اداره خواهد شد، لیکن هر یک تکفل عده ای را عهده دار بوده و در تعیین فرهنگ اجتماعی نقشی خواهند داشت. لذا چگونگی برخورد حاکمیت با این طیف افراد حائز اهمیت بوده و می طلبد که اقدامات نظام قضائی، بیش از موضوع اجرای مجازات و تنبیه، جنبه ی اصلاحی و آموزشی به خود گیرد، دستگاه کیفری، هم می تواند با برخورد نادرست خود از نیروی انسانی، مجرم حرفه ای ناسازگاری با اجتماع سازد و هم می تواند به شهروند اجتماعی سالمی تبدیل کند، بدیهی است که کودک در یک بازه از سن خود با توجه به عدم تکامل قوه ی عقلانی خود توانایی تشخیص اعمال نیک و بد را از هم ندارد. هر زمان که هدف کلی، تربیت و بازپروری طفل بزهکار و اصلاح نواقص و نارسایی جسمی، عصبی و روانی وی باشد، سایر قواعد، اصول و مقررات تحت تاثیر این قاعده مهم واقع می گردند. قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در اقدامی نوآورانه، اخطار، تذکر و نصیحت را به عنوان مجازات اطفال بزهکار در نظر گرفته است. چنین واکنشی در برابر بزهکاری کودکان، می تواند زمینه ی اصلاح و بازپروری اطفال بزهکار را به شکل چشمگیری فراهم نماید. مجازات نگهداری در کانون اصلاح و تربیت از ۳ ماه تا ۱ سال در مورد جرائم تعزیری درجه ۱ تا ۵ نشان از توجه ویژه به موضوع اصلاح و بازپروری کودک دارد (کثیری، ۱۳۹۵)

۱۰-۱- تاریخچه تشکیل کانون های اصلاح و تربیت

در سال ۱۲۹۵ هجری شمسی برای اولین بار نهادی بنام دارالتادیب پیش بینی شده و در سال ۱۳۴۷ در شمال غرب تهران ، انتهای منطقه شهر زیبا اولین کانون اصلاح و تربیت تاسیس گردید. با گذشت زمان در سال های بعدی نیز در شهرهای مشهد ، شیراز و اهواز نیز این کانون ها با کمترین امکانات تشکیل شدند. سپس در ادامه روند ، سایر استان های کشور با الگو برداری از کانون استان تهران اقدام به تاسیس کانون های اصلاح و تربیت نمودند. بطوری که در سال ۱۳۷۶، ۶ کانون اصلاح و تربیت کودکان و تا سال ۱۳۸۵، ۲۳ کانون اصلاح و بازپروری و تا سال ۱۳۹۲، ۲۹ کانون اصلاح و تربیت در سراسر کشور احداث و وظیفه نگهداری و بازپروری کودکان بزهکار را عهده دار شدند. تا این تاریخ مذکور استان های سمنان و آذربایجان شرقی فاقد کانون اصلاح و تربیت دائمی بودند. چراکه از سال ۱۳۹۱ تا سال ۱۳۹۹ شهر تبریز از محل موقتی تحت عنوان مرکز نگهداری کودکان بزهکار استفاده می کرد. تا اینکه در مورخه ۳ تیر ۱۳۹۹ محل دائمی اصلاح و بازپروری کودکان بزهکار را افتتاح و بکار گرفت. استان سمنان تا تاریخ ۳ دی ۱۴۰۲ تنهاترین استانی بود که فاقد کانون اصلاح و تربیت کودکان بزهکار بود که سرانجام در تاریخ یاد شده فاز اول این مرکز افتتاح و بهره برداری از آن آغاز شد.

از آنجایی که کانون نگهداری استان تهران به لحاظ وسعت نسبت به مراکز سایر استان ها در جایگاه نخستی قرار داشت ، در مهر ماه ۱۳۷۸ به دستور رئیس سازمان زندان ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور در ضلع شمالی کانون ، مکانی جهت نگهداری دختران بزهکار تعبیه شده و به این محل منقل گردیدند. فلذا تا بدین روز دختران نوجوان بزهکار به همراه مجرمین بزرگسال نگهداری می شدند.

۱۱-۱- صلاحیت مراجع رسیدگی به جرائم کودکان

یکی از مولفه های دادرسی اطفال و نوجوانان ، ایجاد تشکیلات ویژه همچون دادسرا و دادگاه اختصاصی جهت رسیدگی به جرائم این افراد است که در اسناد بین المللی و حقوق داخلی کشورها بر ایجاد آن تصریح شده است (طهماسبی، ۱۳۹۶:۹۸) بند ۳ ماده ۴۰ کنوانسیون حقوق کودک بیان نموده است که کشورهای عضو در راستای افزایش وضع قوانین ، مقررات ، مقامات و موسساتی مربوط به کودکان متهم یا مجرم ، تلاش کنند (طهماسبی، ۱۳۹۶:۹۹ و معاونت حقوقی قوه قضائیه، ۱۳۹۷:۴۷) و همینطور بند (د) ماده ۱۴ رهنمودهای وین اشاره ای داشته است که دولت باید دادگاه نوجوانان با صلاحیت اولیه درباره مرتکبین اعمال جزایی نموده و آئین دادرسی خاصی تدوین نماید که نیاز کودک در آن لحاظ گردد (طهماسبی، ۱۳۹۶:۹۹ و معاونت حقوقی قوه قضائیه، ۱۳۹۷:۲۸۵) قانون گذار نیز در آخرین نسخه از مصوبات خود، دادسرای ویژه نوجوانان و مراجع ویژه ای را در رسیدگی با توجه به نوع جرم ، میزان مجازات جرم و سن مرتکب جرم را بر بزهکاران کودک پیش بینی کرده است.

۱-۱۱-۱- دادسرای ویژه نوجوانان

مطابق ماده ۲۸۵ قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، در معیت دادگاه اطفال و نوجوانان و در محل آن، شعبه ای از دادسرای عمومی و انقلاب با عنوان دادسرای ویژه نوجوانان به سرپرستی یکی از معاونان دادستان و با حضور یک یا چند بازپرس، تشکیل می شود. تحقیقات مقدماتی جرائم افراد ۱۵ تا ۱۸ سال به جز جرائم موضوع مواد ۳۰۶ و ۳۴۰ این قانون که بطور مستقیم از سوی دادگاه صورت می گیرد، در این دادسرا به عمل می آید. دادسرای ویژه نوجوانان، شعبه ای تخصصی از دادسرای عمومی و انقلاب است (شعبه ی اختصاصی نیست) فلذا علاوه بر رسیدگی به جرائم نوجوانان، صلاحیت رسیدگی به جرائم بزرگسالان را هم دارد (غفوری، ۱۳۹۱:۱۷۹). تبصره ۱ ماده ۲۸۵ همین قانون: دادسرای ویژه نوجوانان را با بیان اینکه تحقیقات مقدماتی جرائم افراد زیر ۱۵ سال به طور مستقیم در دادگاه اطفال و نوجوانان به عمل می آید. دادسرای موضوع ماده فوق را صالح به انجام تحقیقات مقدماتی ندانسته و کلیه وظایف دادسرا و ضابطان دادگستری را به عهده دادگاه صالح گذاشته است.

در قانون سابق، ضابطین دادگستری مسئولیت تحقیق در جرائم اعم از مشهود و غیرمشهود را بر عهده داشتند و سپس مراتب را به اطلاع مقام قضائی می رساندند. علی ایحال طبق قوانین جدید، ضابط اجازه تحقیق از متهم در جرم مشهود را ندارد و در صورت دستگیری وی، وظیفه دارد متهم را فوراً به دادسرا یا دادگاه اطفال و نوجوان تحویل دهد.

۱-۱۱-۲- دادگاه اطفال و نوجوانان

بر اساس ماده ۳۰۴ قانون آئین دادرسی کیفری به کلیه جرائم اطفال و افراد کمتر از ۱۸ سال تمام شمسی در دادگاه اطفال و نوجوانان رسیدگی می شود. مگر اینکه جرم ارتكابی از جرائم در صلاحیت دادگاه کیفری یک یا انقلاب با تعدد قاضی باشد که در این حالت، در دادگاه کیفری یک ویژه نوجوانان رسیدگی می شود. دادگاه اطفال و نوجوانان، با سیستم وحدت قاضی و با حضور یک مشاور اقدام به رسیدگی می نماید و دادگاهی اختصاصی است، بنابراین صلاحیت رسیدگی به جرائم بزرگسالان را ندارد و همانطور دادگاه دیگری نیز نمی تواند به جرائم افراد زیر ۱۸ سال رسیدگی کند. تنهاترین استثنای این امر، جرائم در صلاحیت دادگاه نظامی است که اگر در رسیدگی به جرم مرتکب زیر ۱۸ سال، دادگاه نظامی صالح باشد، به جرم وی بارعایت مقررات مربوط به رسیدگی به جرائم اطفال و نوجوانان در دادگاه نظامی رسیدگی می شود (پیشین، ۱۷۹) در هر حوزه قضائی شهرستان یک یا چند دادگاه اطفال و نوجوانان بر حسب نیاز تشکیل می شود و تا زمانی که این دادگاه در محلی تشکیل نشده باشد، به کلیه جرائم ارتكابی کودکان به غیر از موارد ماده ۳۱۵ این قانون در شعبه ای از دادگاه کیفری دو یا دادگاهی که وظایف آن را انجام می دهد (دادگاه بخش) رسیدگی می شود.

۱-۱۱-۳- دادگاه کیفری یک ویژه نوجوانان

دادگاه های کیفری در ماده ۲۹۴ قانون آئین دادرسی کیفری به دادگاه کیفری یک ، دادگاه کیفری دو ، دادگاه انقلاب ، دادگاه اطفال و نوجوانان و دادگاه های نظامی تقسیم شده اند. هر چند در این ماده به صراحت نامی از دادگاه کیفری یک ویژه اطفال و نوجوانان برده نشده است ، لیکن از حیث سن و نوع جرم ارتكابی ، حسب مورد استثنائاتی وجود دارد و پیش بینی شده است که به این جرائم معین در دادگاه کیفری یک ویژه نوجوانان رسیدگی شود و ماده ۳۱۵ این تدابیر را وضع نموده است که حاکی از آن است که: جرائم مشمول صلاحیت دادگاه کیفری یک و همچنین انقلاب در مواردی که با تعدد قاضی رسیدگی می شود اگر توسط افراد نابالغ زیر ۱۸ سال تمام شمسی ارتكاب یابد در دادگاه کیفری ویژه رسیدگی به جرائم نوجوانان رسیدگی و متهم از کلیه امتیازاتی که در دادگاه اطفال و نوجوانان اعمال می شود ، بهره مند می گردد. این دادگاه با سیستم تعدد قاضی و با حضور یک مشاور اقدام به رسیدگی می کند و شعبه ای تخصصی از دادگاه کیفری یک است فلذا صلاحیت رسیدگی به جرائم بزرگسالان را هم دارد (پیشین، ۱۷۹) این دادگاه در مرکز استان ها و به تشخیص رئیس قوه قضائیه در حوزه شهرستان ها تشکیل می شود. در هر حوزه ای که این دادگاه تشکیل نشده باشد ، به جرائم موضوع صلاحیت این دادگاه ، در نزدیک ترین دادگاه کیفری یک آن حوزه قضائی رسیدگی می شود.

۱-۱۲- مرحله رسیدگی ، صدور حکم و اجرای مجازات

رسیدگی، صدور حکم و همچنین اجرای مجازات، به ترتیب پس از ختم تحقیقات مقدماتی ، برابر با حضور طفل، ولی طفل ، وکیل مدافع ، مشاور ، متخصص ، شهود و مطلعین اجرایی می شود. ماده ۴۱۲ قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ مقرر می دارد: دادگاه اطفال و نوجوانان وقت جلسه رسیدگی را تعیین و به والدین ، اولیا یا سرپرست قانونی طفل یا نوجوان ، وکیل وی و دادستان و شاکی ابلاغ می کند.

در مورد اطفال و نوجوانانی که مرتکب جرائم تعزیری می شوند و سن آنها در زمان ارتكاب ۹ تا ۱۵ سال تمام شمسی باشد مطابق ماده ۸۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ ، دادگاه حسب مورد یکی از تصمیمات زیر را اتخاذ می کند:

الف) تسلیم به والدین یا اولیا یا سرپرست قانونی با اخذ تعهد به تادیب و تربیت و مواظبت در حسن اخلاق طفل یا نوجوان لازم بذکر است هر گاه دادگاه مصلحت بداند می تواند حسب مورد از اشخاص مذکور در این بند تعهد به انجام اموری از قبیل موارد ذیل و اعلام نتیجه به دادگاه در مهلت مقرر را نیز اخذ نماید:

- ۱- معرفی طفل یا نوجوان به مددکار اجتماعی یا روانشناس و دیگر متخصصان و همکاری با آنان
- ۲- فرستادن طفل یا نوجوان به یک موسسه آموزشی و فرهنگی به منظور تحصیل یا حرفه آموزی

- ۳- اقدام لازم جهت درمان یا ترک اعتیاد طفل یا نوجوان تحت نظر پزشک
- ۴- جلوگیری از معاشرت و ارتباط مضر طفل یا نوجوان با اشخاص به تشخیص دادگاه
- ۵- جلوگیری از رفت و آمد طفل یا نوجوان به محل های معین

در خصوص اجرای موارد این بند ، قاضی صادر کننده حکم ، پس از احضار طفل متهم ، والدین یا سرپرست قانونی وی ، آنان را نسبت به قصورشان در تربیت و هدایت طفل آگاه ساخته و ضمن برشمردن علل ارتکاب جرم پس از تعهد نسبت به تربیت و مواظبت درحسن رفتار و اخلاق، طفل را به اولیا یا سرپرست قانونی او با اخذ تعهد می سپارد. در این خصوص تربیت اطفال با نظر دادگاه صورت می گیرد. (نوربها، ۱۳۷۸:۱۲)

ب) تسلیم به اشخاص حقیقی یا حقوقی دیگری که دادگاه به مصلحت طفل یا نوجوان بداند با الزام به انجام دستورهای مذکور در بند (الف) در صورت عدم صلاحیت والدین ، اولیا یا سرپرست قانونی طفل یا نوجوان و یا عدم دسترسی به آنها با رعایت مقررات ماده ۱۱۷۳ قانون مدنی

لازم بذکر است تسلیم طفل به اشخاص واجد صلاحیت منوط به قبول آنان است.

پ) نصیحت به وسیله قاضی

ت) اخطار و تذکر و یا اخذ تعهد کتبی به عدم تکرار جرم

ث) نگهداری در کانون اصلاح و تربیت از سه ماه تا یک سال در مورد جرائم تعزیری درجه یک تا پنج

مطابق تبصره ۱ ماده فوق الذکر تصمیمات بند (ت) و (ث) فقط درباره اطفال و نوجوانان ۱۲ تا ۱۵ سال قابل اجرا است و اعمال مقررات بند (ث) در مورد اطفال و نوجوانانی که جرائم موجب تعزیر درجه یک تا پنج را مرتکب شده اند ، الزامی است. و تبصره ۲ از مجازات جرائم حدی و قصاص سخن گفته است ، اگر مرتکب ۱۲ تا ۱۵ ساله باشد به یکی از اقدامات مقرر در بند (ت) یا (ث) محکوم می شود و چنانچه در سن پائین تری قرار داشته باشد مقررات بند های (الف) تا (پ) این ماده در مورد آنها حاکم خواهد بود. و همچنین قانون گذار در تبصره ۳ دادگاه اطفال و نوجوانان را مخیر نموده است در تصمیمات اتخاذی موارد بند (الف) و (ب) با توجه به تحقیقات بعمل آمده و گزارش مددکاران اجتماعی از وضع طفل و نوجوان در صورت وجود اقتضا از تصمیم خود عدول و احکامی متناسب با اوضاع و احوال مرتکب صادر نماید.

در مورد نوجوانانی که مرتکب جرم تعزیری می شوند و سن آنها در زمان ارتکاب بین ۱۵ تا ۱۸ سال تمام شمسی باشد ، طبق اظهارات ماده ۸۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ مجازات های زیر اجرا می شود:

الف) نگهداری در کانون اصلاح و تربیت از دو تا پنج سال در مورد جرائمی که مجازات قانونی آنها تعزیر درجه یک تا سه است.

ب) نگهداری در کانون اصلاح و تربیت از یک تا سه سال در مورد جرائمی که مجازات قانونی آنها تعزیر درجه چهار است.

پ) نگهداری در کانون اصلاح و تربیت از سه ماه تا یک سال یا پرداخت جزای نقدی از ده میلیون (۱۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال تا چهل میلیون (۴۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال یا انجام یکصد و هشتاد تا هفتصد و بیست ساعت خدمات عمومی رایگان در مورد جرائمی که مجازات قانونی آنها تعزیر درجه پنج است.

ت) پرداخت جزای نقدی از یک میلیون (۱/۰۰۰/۰۰۰) ریال تا ده میلیون (۱۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال یا انجام شصت تا یکصد و هشتاد ساعت خدمات عمومی رایگان در مورد جرائمی که مجازات قانونی آنها تعزیر درجه شش است.

ث) پرداخت جزای نقدی تا یک میلیون (۱/۰۰۰/۰۰۰) ریال در مورد جرائمی که مجازات قانونی آنها تعزیر درجه هفت و هشت است.

میزان فعالیت و ارائه خدمات عمومی رایگان وفق تبصره ۱ همین ماده، نباید از ۴ ساعت در روز تجاوز کند. همچنین توجه خاص قانون گذار به اصلاح و بازپروری کودکان بزهکار از مفاد تبصره ۲ مشخص است که این اختیار را به دادگاه داده است که بیشتر مصلحت کودک بزهکار را در نظر بگیرد تا اینکه مقررات مذکور را رعایت نماید، چرا که از قاضی می خواهد در صورت اقتضا به جای صدور حکم در موارد بند های (الف) تا (پ) ماده مزبور، ساعاتی را تعیین تا مرتکب در آن ساعات به مدت سه ماه تا یک سال در منزل حضور داشته باشد یا اینکه دو روز آخر هفته در کانون اصلاح و تربیت حاضر باشد.

در برخی موارد که دادگاه طفل متهم را به نگهداری در کانون اصلاح و تربیت محکوم می نماید، هرگاه میزان این محکومیت ها بیش از شش ماه باشد، در آخرین ماه چنانچه مدیر کانون رفتار و خلق و خوی طفل را مناسب تشخیص دهد می تواند پس از تأیید قاضی صادر کننده حکم، ترتیبی دهد که طفل روزها در خارج از محل کانون یا اقدام به تحصیل در آموزشگاهی نماید و یا نزد کارفرمای مورد اعتماد به اشتغال بپردازد (جمشیدی، ۱۴:۱۳۸۴) مدیر کانون طی قراردادی که با کارفرما یا مدیر آموزشگاه مربوط دارند، جویای نحوه انجام کار، تحصیل و حضور و غیاب کودکان توسط مددکاران اجتماعی که وظیفه ی مراقبت و هدایت افراد را دارند، هستند. چنانچه طفلی مقررات تعیینی را نقض کند فوراً مراتب جهت اخذ تصمیم مجدد به دادگاه مربوط اعلام می شود. (موسوی بجنوردی، ۳۴:۱۳۸۴)

نتیجه گیری:

در قانون مجازات اسلامی سابق ، مجازات کودکان بزهکار به این شرح: ۱- سپردن طفل به ولی یا سرپرست قانونی طفل ۲- نگهداری در کانون اصلاح و تربیت ۳- تنبیه بدنی ۴- شلاق ۵- تعزیر و تادیب نگارش گردیده بود که اکنون با تصویب آخرین نسخه ی قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲) موارد موضوع شماره ۳ تا ۵ حذف و مجازات جایگزین مناسبی طرح گردید. از این تغییرات آنچه عاید می شود ، مقصود قانون گذار از مجازات کودک بزهکار ، برآوردن تقاص عمل ارتكابی نبوده و هدف آن اصلاح ، بازپروری و باز اجتماعی کردن مرتکب است. قانون گذار با هدف حمایت و بازپروری کودکان بزهکار در جهت برابری با قواعد اسناد بین المللی در قوانین جدید ضمن اقدام به تدوین یک نظام دادرسی افتراقی، از باب برخورد عطف آمیز ، نه از باب ارباب و مقابله با بزهکاری کودکان ، به تشکیل پلیس ویژه اطفال و نوجوانان در نیروی انتظامی تاکید کرده است.

با توجه به اینکه سن ارتكاب جرم از دوره ی جوانی به دوره ی نوجوانی با سرعت زیادی در حال گسترش است، ضرورت دارد که همه ی نهادها اعم از نظام قضائی ، پلیس ویژه ، خانواده و آموزش و پرورش تمامی توان خود را بکار برند تا از پرورش کودکانی بزهکار و ناسازگار با جامعه بکاهند. بنابراین تاسیس پلیس ویژه به تنهایی نمی تواند زمینه ی عدم ارتكاب جرم توسط کودکان را فراهم سازد. در رابطه با راهکارهای مقابله با پدیده ی بزهکاری کودکان ، پژوهشگران پیشین مواردی از جمله: طی دوره های آموزشی مختلف در مدارس ، حضور و برگزاری دوره های آموزشی درمساجد و مراکز فرهنگی، تبلیغ رسانه های آموزشی، تاسیس تشکل های مردمی، طرح اقدامات فردی و ... را در راستای کاهش بزهکاری مطرح کرده اند. فلذا عملکرد نظام آموزشی کشور به همراه تربیت صحیح خانوادگی با توضیحات ذیل می تواند در این مورد نقش بسزایی در جهت کنترل بزهکاری کودکان داشته باشد.

نظام آموزشی کشور ایران به عنوان آموزش و پرورش نامگذاری شده است. منظور از آموزش ، همان سوادآموزی کودکان است که این امر نیز بطور جدی و قابل قبولی اجرا نمی شود و بحث تدریس بر کودکان و تحصیل علم آنان اختلالات فراوانی دارد که به نحو احسن تحقق نمی یابد. اما با این حال ، فرآیند آموزش هر چند کم رنگ، اثراتی از خود بر جای می گذارد. اما بحث پرورش بطور مطلق از مراکز پیش دبستانی ، دبستانی ، راهنمایی، دبیرستان و بطور کلی از نظام آموزشی کشور رخت بر بسته و خبری از آن نیست. فلذا به نظر می رسد آموزش و پرورش گویی فقط وظیفه دارد چند کلامی با هر کیفیتی علم آموزی کرده و به واژه پر مفهوم پرورش بی توجه ماند. هر گاه در کنار این جمله که بسیار گفتند و ما نوشتیم (بابا نان داد) اگر می گفتند بابا برای نان تمامی جوانی اش را داد. شاید این تلنگر ، جرقه ای در ذهن کودک زده و مسیر زندگی اش را متناسب با اهدافش تعیین می کرد این جمله مصداقی از تربیت و پرورش کودکان است که می تواند کودک را در راستای تحصیلی هدفمند آگاه به مسائل حقیقی ساخته و معین برنامه ای هدفمند باشد. در مورد بیشتر

کودکان رویه آن است که تقریباً نصف ساعات روز در منزل و نصف دیگر آن در مدرسه سپری می شود، در ایجاد و شکل گیری شخصیت کودک، این دو عامل (مدرسه و منزل) بیشترین تاثیر را دارند. الاخص مدرسه، فلذا والدین همه ی کودکان به لحاظ فرهنگ اجتماعی، وضعیت اقتصادی، میزان برخورداری از علم و دانش روز، برخورداری از تخصص لازم و دارا بودن وقت کافی و از این قبیل مسائل با یکدیگر متفاوت هستند که این موارد در تربیت کودکان بی تاثیر نیستند. اما مدارس با اینکه از دیرباز به فردی تحت عنوان معلم پرورشی مجهز بوده است، لیکن دریغ از برگزاری فعالیت ها و دوره های پرورشی که مستقیماً تربیت فرزند مد نظر بوده و است. با هجوم فرهنگ غرب و تخریب فرهنگ اصیل ایرانی از طریق ماهواره و شبکه های مجازی، بیشتر ارزش های ملی و قومی از بین رفته و کودکان اعتقاد قابل توجهی به آنان ندارند. با نهایت تاسف در چنین اوضاع نابسامان اقتصادی، اکثر خانواده ها در امرار معاش و گذران امورات زندگی خود دچار مشکلات فراوانی هستند. از نظر پدر خانواده، همینکه نان شب اهالی منزل را تامین کند، هنر بزرگی کرده است، نظر مادر خانواده نیز بر این است که کار زیاد او را از پای درمی آورد در چنین حالتی فرزند نیز نا امید از آینده، به همه چیز بی اعتنا می شود. با این اوصاف بزرگان خانواده چندان حوصله و رغبتی به نصیحت کردن فرزند خود ندارند. و بیش از هر مرکزی اعم از رسانه، مساجد و ... مدارس بهترین و کارآمدترین مرکز پرورش صحیح شهروند تلقی می شود. کاری که عملاً از چندین سال پیش در جوامع پیشرفته اجرایی و نتایج مفید و مثبتی از آن کسب کرده اند.

منابع :

کتاب:

- امامی، سید حسین (۱۳۷۳). حقوق مدنی، جلد پنجم، چاپ دوازدهم، انتشارات اسلامیة جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۰). ترمینولوژی حقوقی، چاپ یازدهم، انتشارات گنج دانش جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۵). ترمینولوژی حقوقی، انتشارات گنج دانش حق شناس، محمدعلی (۱۳۸۵). انتخابی، فرهنگ معاصر هزاره، چاپ ششم زراعت، عباس (۱۳۹۲). حقوق جزای عمومی ۳، چاپ اول، انتشارات جاودانه طهماسبی، جواد (۱۳۹۶). آئین دادرسی کیفری، جلد سوم، چاپ اول، انتشارات میزان غفوری، احمد (۱۴۰۱). شرح آزمون آئین دادرسی کیفری، چاپ چهل و هشتم، انتشارات آریاداد محقق هرچقان، علیرضا (۱۳۹۰). سن مسئولیت کیفری، چاپ اول، انتشارات دادگستر نجفی توانا، علی (۱۳۸۲). نابهنجاری و بزهکاری اطفال و نوجوانان از منظر جرم شناسی، انتشارات تربیت نوربها، رضا (۱۳۷۸). زمینه حقوق جزای عمومی، چاپ سوم، انتشارات دادآفرین

مقالات:

- ۱-جانی پور، علی (۱۳۹۹). بررسی قوانین و مقررات کیفری کودکان و نوجوانان در حقوق ایران و تاثیر آن بر کاهش آسیب های اجتماعی، مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران، سال چهاردهم، شماره چهارم، پائیر ۱۴۰۱
- ۲-جمشیدی، علیرضا (۱۳۸۴). گفتمان سیاست جنایی در لایحه قضائی قانون تشکیل دادگاه اطفال و نوجوانان، مجله حقوقی دادگستری، شماره چهل و پنجم
- ۳-کثیری، مژگان (۱۳۹۵). رویکرد نوین سیاست کیفری ایران در خصوص بزهکاری اطفال، وب سایت مژگان کثیری

۴- موسوی بجنوردی، سید محمد (۱۳۸۲). مقاله بررسی مفهوم و معیار کودکی در تفکر اسلامی و قوانین ایران مجله متین ، شماره بیست و یکم